



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۳/۰۸/۱۵

عبدالقیوم میرزاده

## سقوط جمهوریت و ظهور مجدد طالبان

امروز دقیقاً دو سال از سقوط جمهوریت در کشور ماسپری شد، که در نتیجه یک معامله استخباراتی امریکا - متحدین اروپایی - پاکستان به همکاری غلامان حلقه بگوش داخلی شان چون عبدالله عبدالله، اعضای جمعیت اسلامی، گروه شورای نظاریان، سرکردگان جنبش اسلامی زیر رهبری دوستم، گروه های اهل تشیع زیر رهبری محقق و خلیلی جمهوریت را سقوط و طالبان را بر اریکه قدرت آوردند. مضمولین این معامله با همه ذرایع و وسایل به شمول شبکه های تلویزیونی چون طلوع، آئینه، آریانا، نورین، جراید، اخبار، مجلات، رادیو ها و مبلغین شهادت شان که همه روزه در تمام مباحثات تلویزیونی حاضر بودند تمام نیروی شان را بخرچ دادند تا حاکمیت را سقوط دهند.

دیروز همه نیرو های وطن دوست ملی فریاد میکشیدند که: آهای نوکران مزدور مردم را نشورانید! پایه های دولت و حاکمیت سیاسی را تخریب نکنید! هیچ الترناتیف بجز گروه طالبان در میدان سیاسی کشور توانایی انسجام و رهبری کشور را ندارد! اما گویی آنها گر بودند؟ و همچنان کورکه نه فریاد وطن دوستان ملی اندیش را میشنیدند و نه معاملات استخباراتی را میدیدند که همه روزه حاکمیت را در عرصه ملی و بین المللی بی اعتبار میساختند و رژیم را محتوم به سقوط ساختند. اما حکمت بزرگتر در آنست که از فردای سقوط رژیم ۱۵ اگست ۲۰۲۱ تمام همین شبکه ها مزدور ضد ملی از یکطرف جنگ و مقاومت مسلحانه را آغاز کردند و از طرف دیگر سیل از تبلیغات را با همان پیمانۀ سابق علیه حاکمیت جدید که خود شان پیروزی اش را زمینه سازی و ضمانت کرده بودند آغاز کردند.

عزیزان خواننده!

امریکا در یک معامله استخباراتی با پاکستان (بینظیر بوتو) در سالهای ۱۹۹۴ - ۲۷ سپتمبر ۱۹۹۶ طالبان را بنام فرشته های صلح بر ملت ما تحمیل کردند و کشور ما را به قهقرا بردند. متعاقباً باز هم در اذای یک معامله استخباراتی دیگر (عدم تسلیمی بن لادن به امریکا به عنوان طراح حملات ۱۱ سپتمبر) حدود دوصد هزار نیروی مسلح امریکا و متحدینش با مجهز ترین تجهیزات نظامی از زمین و هوا بر کشور ما تجاوز کردند و حاکمیت همان نیروی را که چهار سال قبل بنام فرشته های صلح بر گرده های ملت ما تحمیل کرده بودند ساقط ساختند. قابل یادآوری است که در این بازی ویا معامله استخباراتی بسیاری از مسایلی گنجانیده شده بود که کشور و مردم ما را تا سالهایی زیادی در مقابل هم قرار داده و تفرقه ملی را به اوجش رسانیدند. این متجاوزین

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

در اولین روز های تجاوز عریان یک میلیون باشنده سمت شمال کشور رازیر نام اتحاد شمال مسلح ساخته و ده ها هزار نیروی طالبان را طی معاملات پنهانی در دام اعضای باند اتحاد شمال گرفتار و اسیر ساختند و بوسیله دوستم از یک آنها را بقتل رسانیدند.

در بیست سال موجودیت قوای متجاوزین در افغانستان همه مشاورین خارجی هم از طریق مشوره های ضد ملی و هم از راه تخویف و تهدید مانع تحقق پروژه های ملی بودند و برعکس از مجاری مختلف تلاش داشتند تا شیرازه وحدت ملی را که زمینه هایش را در جریان جهاد (۱۹۷۳ - ۱۹۹۲) و اولین روز های تجاوز مسلحانه میسر گردانیده بودند در کشور ما تخریب و سعی بر راه اندازی جنگ داخلی و تجزیه کشور ما داشتند. در بسیاری از مقالات قبلی و همچنان در کتاب ملت - منافع ملی و دولت ملت در افغانستان از این قلم قسمتی از این اقدامات و تحریکات ضد ملی را توضیح داده ام و بمنظور اختصار نوشته از توضیح و تفصیل مجدد این تحریکات و اقدامات تخریبی صرف نظر میکنم. تا اینکه همه زمینه ها مساعد شد و در ۱۵ اگست سال ۲۰۲۱ طالبان را مجدداً حاکم بر سر نوشت مردم ما ساختند.

با این توضیح مختصر در این کار زار بازار مکاره سیاست مداران نوکر منش و غلام بیگانه به این باید اندیشید که مردم ما برای تعیین سر نوشت خویش چه باید بکنند؟  
عده مردم را به مقاومت مسلحانه و جنگ و برادر کشی ترغیب میکنند. که بدون وابستگی خارجی تمویل و تسلیح از خارج و زنجیر غلامی یک کشور و یا کشور ها را به گردن آویختن ممکن و میسر نیست و در نتیجه غیر از اینکه برادران هموطن خود را به قتل برسانیم از طرف دیگر تجارب پنج دهه جنگهای مسلحانه در کشور به اثبات رسانیده است که اقدامات مسلحانه نه تنها راه حل معضل ما نیست بلکه ما را بیشتر دست نشانده و غلام بیگانه میسازد و کشور ما را بسوی نابودی و تجزیه میکشاند.

عده دیگر مردم را زیر نام زبان، محل و ملیت به تفرقه ملی ترغیب میکنند. در این راه چنان افسانه سازی و جعل تاریخ و ارزشهای ملی و تاریخی میکنند که طالب و حاکمیت موجود را در صف کتله بزرگی از باشندگان کشور قرار داده و مردم را بر علیه آنها می شورانند و راه حل را همچنان یا در لفافه و یا بدون لفافه در تجزیه کشور مشوره میدهند.  
عده دیگر از جاسوسان و غلامان حلقه بگوش استخبارات امریکا که در طول بیست سال زیر سایه امریکا و متحدینش صاحب گنج های قارونی شدند و امروز در مهاجرت هم هویت و هم سرمایه خود را در معرض نابودی می بینند باز هم در مشاورت با با داران غربی شان نعره های حکومت فراگیر، حکومت مشارکتی، رهبری و یا حاکمیت همه شمول را سر داده اند و اینجا و آنجا سر از گریبان تلویزیون مخرّب افغانستان انتر نشنل، بی بی سی و جسته و گریخته از تلویزیون طلوع برون میکنند و اخیراً زلمی خلیل زاد با آنکه ظاهراً هیچ منصبی رسمی در حکومت ندارد به تشویق غلام بچه هایش پرداخته و از آنها مطالبه دارد تا بوطن برگردند و با طالبان تعامل کنند. اما از نظر این قلم آنچه ملت ما را در برابر همه این مصایب رهنمون خواهد گشت همانا نهادینه گشتن تفکر منافع ملی میباشد. لازمی است تا مردم ما اعم از سیاسیون و کتله های وسیع لایه های مختلف اجتماعی، اقتصادی و نظامی همه و همه در همه حالات هم نظریات شان و هم اقدامات و عملکرد های شان را بر پایه منافع علیای ملی استوار سازند و همه تحولات و فعل و انفعالات کشور و منطقه و جهان را از مسیر هدفمند منافع ملی ببینند.

این بدان معنی است که ما با درایت کامل ببینیم که در شرایط امروز افغانستان که تقریباً تمام جهان تنها از ورای فعالیت های استخباراتی در پی معاملات ننگین ضد افغانی بر علیه کشور محبوب ما هستند، و همه با فشار تلاش دارند تا غلام بچه هایشان را مجدداً در حاکمیت شریک سازند،  
ایجابات منافع ملی یا منافع همگانی چه حکمی دارد؟

بهترین گزینه در شرایط حاضر که پنج دهه سراپای کشور را عمال استخبارات خارجی تحت سیطره داشته، میتواند هم ثبات را در کشور حفظ کند و هم از مداخلات بیرونی ما را در امان نگه

خواهد داشته باشد. همانا آگاهی رسانی و ترغیب مردم به اتحاد و همبستگی ملی، آگاه سازی مردم در برابر هر نوع تبلیغات فتنه انگیز مغرضین که زیر نام زبان، ملیت، محل و سمت آگاهانه و یا نا دانسته مردم را بطرف نفاق ملی میکشانند.

قانون پوهان، دانشمندان، نویسندگان و آگاهان امور سعی کنند از طریق مشوره های مسلکی حاکمیت موجود را در راه ایجاد حکومت قانون و مشروعیت رهنما گردند. به رهبران و مشمولین رهبری حاکمیت طالبان مزایای حاکمیت قانون در جامعه واضرار نبود قانون و قوانین در کشور توضیح و تشریح گردد.

در چوکات قانون جوانان در داخل کشور سعی کنند تا گردان و یا سازمان سیاسی خویش را برپایه حکم منافع ملی دور از گزند روابط با سازمانهای استخباراتی و سفارت خانه های خارجی تاسیس و سعی فراوان مبذول دارند تا از طریق مشارکت در کلیه بخشهای تخصصی و اداره کشور وزنه را به نفع متخصصین جوان تغییر دهند. حرکت ملی اندیشانه مورچه وار خود ما هزاران مرتبه مؤثر تر از حرکت با طیارات با سرعت مافوق سرعت صوت بیگانه در جامعه عمل خواهد کرد. اعتراضات مدنی گاندی میتواند سرمشق باشد.

از حرکت ها و جنبش های خود جوش زنان که بدون استشاره سازمانهای استخباراتی در پی اعاده حقوق شان هستند وسیعاً پشتیبانی بعمل آید. این پشتیبانی ها از هم طریق مشوره های مفید و مؤثر و هم از طریق ترغیب همه زنان برای مشارکت در این جنبش حق طلبانه صرف از راه های مسالمت آمیز بدون اقدامات تحریکی و خشونت بار صورت گیرد.

متخصصین اداره و قانون دانان پیشنهادات سازنده برای تدوین قانون اساسی کشور و قوانین متمم را هم بصورت مستقیم به ادارات طالبان و هم از ورای مدیا یا نشرات افغانی به آگاهی مردم برسانند تا همه این اقدامات یک حرکت بزرگ افغانستان شمول را در جهت قانونمد سازی کشور ایجاد کند و از هر طرف صدای قانونیت، عدالت و مشروعیت بلند گردد.

راه های مسالمت آمیز و عالمانه بمراتب مؤثر تر از اعمال خشونت بار که نه تنها خواسته های مدنی را برآورده نمی سازد. بلکه جانب مقابل را به عمل خشونت بارتر تحریک کرده و جنبش ها را در نطفه خنثی میسازد.

همه ما یاد بگیریم و پیوسته بخاطر داشته باشیم که تنها افغانان میتوانند مشکلات، کمبودی ها و مسایل شان را به نفع خودشان و کشور شان مطرح و حل کنند. موجودیت و وجود هر خارجی به شمول سازمان ملل متحد منافع ملی ما را تحت سوال میبرد و مسایل را از چوکات منافع ملی ما خارج میکند.